

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان‌های خانواده در مذاکره‌های مجالس قانون گذاری ایران (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷)

نوریه انصارین^۱، حسن سرایی^۲، باقر ساروخانی^۳، فیروز راد^۴

(تاریخ دریافت ۹۵/۰۸/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۶/۱۰/۰۹)

چکیده

خانواده و موضوعات مرتبط با آن یکی از مسائل جامعه‌کنونی است. قانون و نظام قانون‌گذاری را می‌توان ابزار مهمی جهت تسلط بر این حوزه به‌شمار آورد. هدف حقیق حاضر شناسایی گفتمان‌های مسلط خانواده در مجالس قانون‌گذاری دوره پهلوی دوم و تحلیل آنهاست. به‌این‌منظور، مذاکره‌های نمایندگان مجلس بیست‌ویکم و بیست‌وسوم با روش تحلیل گفتمان بررسی شده و چشم‌انداز نظری آن بر مبنای نظریه‌های عاملیت-ساختار، نظام کنش، بازنمایی و جهانی‌شدن تدوین شده‌است. نتایج حاکی است با توجه به ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، در مجلس بیست‌ویکم «گفتمان اعتدال‌گرایی سنتی» از دیالکتیک گفتمان مسلط سطح فرهنگی (سنت‌گرایی اصول‌گرا) و گفتمان مسلط سطح سیاسی (نوگرا) به‌وجود آمده و در مجلس بیست‌وسوم «گفتمان نوگرای اصلاح‌طلب»، با حمایت قوی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران
noorinansarin@gmail.com

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران (نویسنده مسئول)
hsaraie@yahoo.com

^۳ استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران saroukhani@yahoo.com

^۴ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران rad_291@yahoo.com

گفتمان مسلط سطح سیاسی (نوگرای رادیکال) و نادیده گرفتن گفتمان قدرتمند سطح فرهنگی (سنت‌گرای اصول‌گرا)، به گفتمان مسلط مجلس تبدیل شده است.

واژگان کلیدی: خانواده، مذاکرات نمایندگان، گفتمان، مجالس قانون‌گذاری، قانون حمایت از خانواده.

مقدمه و بیان مسئله

«موضوع خانواده و زنان» از موضوعاتی است که در دوپست‌سال اخیر به محل تأمل نظری بدل شده یا به عبارتی مسأله مند^۱ شده است. رد و نشان مسأله مند خانواده و زن در سطح تاریخی مادی فهمیدنی است. اگر تبار این مسئله را در ایران پی بگیریم، به لحظه آسیب زا و فشارآموز^۲ به نام «انقلاب مشروطه» می‌رسیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد، قبل از انقلاب مشروطه در ایران، «خانواده و زن» موضوعی طبیعی در کنار امور طبیعی دیگر و وسیله آسایش و آرامش مرد محسوب می‌شد؛ چراکه قرن‌ها مردسالاری - که عملاً با تشکیل دولت ماد در ایران هم‌زمان است (ستاری، ۱۳۷۳: ۱۹ به نقل از آشتیانی ۳۰۹: ۱۳۶۶-۳۴۷) - مجال خودتنظیمی و بالندگی را از زنان گرفته بود.

زمینه‌های انقلاب مشروطه، از جمله مواجهه با غرب و سفرهای تجاری و تحصیلی به کشورهای اروپایی، سبب شکل‌گیری نگاهی مقایسه‌ای به زندگی اجتماعی در ایران، به خصوص شکل خانواده و وضعیت زنان و حقوق فردی و اجتماعی آنها، شد. البته، هم‌زمان با این اتفاق، مشارکت زنان در این انقلاب و سهم‌خواهی‌های بعدی و مدرنیزاسیون دولتی، خانواده و زنان را به مسئله مهمی در ساحت اجتماعی و سیاسی بدل کرد. ساختار خانواده و وضعیت زنان و حضور آنها در اجتماع با کشمکش‌هایی در عرصه اجتماعی و سیاسی همراه بوده است، از جمله درباره عوامل تشکیل و انحلال خانواده، ابعاد آن، زنان و نحوه حضور آنها در اجتماع، مکان‌های حضور، نحوه پوشش، نوع آموزش و... که همچنان به مثابه مسأله مند حاکم بر دستگاه فکری عصر ما تا به امروز ادامه داشته است.

اگر گفتمان را نظام بازنمایی، شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن در باب جهان و فهم آن در درون اپیستمه در نظر بگیریم (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۸۸؛ آفاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۹-۴۰)، خانواده و زن به منزله دو عنصر به هم تنیده در جامعه سنتی ایران، هم‌زمان با انقلاب مشروطه،

^۱ Problematic

^۲ Thraumatic

به‌مثابه سوژه‌ای مسأله مند و غامض، وارد گفتمان سیاسی شدند و تراکمی از گفتارها، گزاره‌ها و نظریه‌ها را حول خود شکل دادند. فهم مسأله مند از این حیث ضرورت دارد که تأمل بر وضعیت و خاص‌بودگی وضعیت همواره به دستگاه نظری (از نظر آلتوسر) و وجوه گفتمانی (از نظر فوکو) مقید است که اگرچه به‌ظاهر در ساحت ایده صورت می‌گیرد، به‌زعم فوکو می‌تواند به پرکسیس و نماد بینجامد (حیدری، ۱۳۸۷: ۵).

ورود سوژه به داخل گفتمان با تلاش برای کنترل آن هم‌زمان است؛ یعنی هر گفتمانی براساس اهداف ذاتی و عملیاتی‌اش و برای اعمال قدرت در جهت تعریف و کنترل سوژه با ابزار خود می‌کوشد. درواقع، قوانین به‌مثابه ابزار همراه‌کردن و سازگارکردن- وجهی از کنترل عملیاتی سوژه‌اند که در چارچوب قدرت حاکمیت‌بنیاد (به‌زعم فوکو) شکل می‌گیرند. این قدرت در قالب دولت و نهادهای سیاسی تبلور می‌یابد. نهادها تجلی ایده‌ها هستند که در قالب قوانین مقررات نمود پیدا می‌کنند (حسین‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۵) و مجلس مهم‌ترین نهاد بر ساخت قوانین در بسیاری از کشورها از جمله ایران به‌حساب می‌آید (میرزاحمدی، ۱۳۹۴: ۴). محلی که خط مشی‌ها و الزامات سیاسی در قالب لایحه و طرح وارد صحن علنی می‌شود و به مذاکره و بحث گذاشته می‌شود و درنهایت گفتمان مسلط خواسته و خوانش خود را در قالب قانون به‌تصویب می‌رساند. بدین ترتیب، روند رسمی یک موضوع را مشخص، تدوین و اصلاح می‌کند، یا تغییر می‌دهد. البته، همه اینها بدون وجود گفتمان یا خرده‌گفتمان معارض بی‌معناست.

بررسی تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران نشان‌دهنده اهمیت موضوع زنان و خانواده برای سردمداران گفتمان‌های سیاسی مسلط و معارض همراه با محدودکردن زن با توجیه حفظ کیان خانواده از سوی یک‌طرف و مقاومت بر سر این موضوع از سوی طرف مقابل بوده‌است. برای نمونه، تلاش دولت پهلوی برای تغییر وضعیت زنان و خانواده در جهت مدرن‌سازی و متقابلاً، اعتراض و تظاهرات مردم درباره اهمیت حجاب و وضعیت خانواده در آن زمان، سوگیری متفاوت علما و روشنفکران درخصوص این موضوع، الغای بلافاصله «قانون حمایت از خانواده» دوره پهلوی در بدو پیروزی انقلاب اسلامی، تظاهرات و اعتراض‌های متعدد درباب عفاف و حجاب بعد از انقلاب به‌خصوص در دوره دولت اصلاحات و دوره اخیر (برای مثال، راهپیمایی سراسری ۲۱ تیر ۹۵ در اعتراض به وضعیت حجاب و عفاف در جامعه همراه با فراخوانی و تبلیغات دولتی)، بحث‌های مربوط به افزایش و کاهش جمعیت و ابعاد خانواده، همه به نوعی با گره‌زدن موضوع زن و خانواده با یکدیگر، حفظ یا تهدید کیان خانواده را منوط به نوع فعالیت، رفتار، پوشش، حقوق و وظایف زن می‌دانند. همه موارد مزبور بر اهمیت حوزه خانواده و زنان در ایران دلالت دارند.

با عنایت به مباحث پیش‌گفته، دو سؤال اصلی تحقیق حاضر این‌گونه شکل می‌گیرند که از منظر جامعه‌شناسی و براساس مذاکرات مجالس قانون‌گذاری ایران (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷) کدام گفتمان‌ها بر حوزه خانواده مسلط بوده‌اند، و تغییر گفتمان‌های خانواده در مجالس قانون‌گذاری ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ چرا و چگونه صورت گرفته‌است؟

از آنجاکه تاریخ تقنینی هفتادسال اخیر ایران در حوزه خانواده و زنان شاهد تغییرات بسیاری، از جمله تصویب قوانین حمایت از خانواده در سال ۱۳۴۶ (مجلس بیست‌ویکم شورای ملی)، انقلاب سفید و حق رأی زنان در سال ۱۳۴۱، تجدیدنظر در قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۵۳ (مجلس بیست‌وسوم شورای ملی)، همچنین اولین قانون ملغی‌شده بعد از انقلاب اسلامی، «قانون حمایت از زنان و خانواده» و دیگر قوانین مربوط به زنان، مصوب دوره پهلوی بوده‌است، به‌نظر می‌رسد مذاکره‌ها و بحث‌های حول این قوانین و مطالعه اسناد مربوط به اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هم‌عصر این مذاکره‌ها (قبل از انقلاب) برای پاسخ به سؤالات تحقیق مناسب باشند.

چشم‌انداز نظری

اگر کنش یا عملکرد^۱ را به‌طور تحلیلی از کرده‌های فردی متمایز کنیم و کنش را بر جریان پیوسته کردارهای اجتماعی فرد دلالت دهیم، می‌توان مذاکره‌های نمایندگان را در مجلس نوعی عملکرد اجتماعی به‌شمار آورد. یکی از نظریه‌پردازانی که به مفهوم عملکرد اجتماعی پرداخته آنتونی گیدنز است. او معتقد است بیشتر زندگی اجتماعی حول عملکردهایی دور می‌زند که آدم‌ها از طریق آنها قواعد و منابع را در زندگی روزانه‌شان بازاندیشانه به‌کار می‌برند (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ۲۵۷).

الگوی اجتماعی نظام‌مند را می‌توان براساس نتایج خواسته و ناخواسته عملکردها توضیح داد. از نظر گیدنز، جوامع نظام‌های ارگانیکی یا مکانیکی نیستند، بلکه عملکرد نهادینه‌ای هستند که همواره از طریق کنش فردی توأم با بازاندیشی ممکن شده‌اند (سیدمن، ۱۳۹۳: ۱۹۳). نظام‌های اجتماعی ساختار ندارند، اما صفت‌های ساختاری را به‌نمایش می‌گذارند. ساختارها خودشان در زمان و مکان وجود ندارند، اما در نظام‌های اجتماعی به‌صورت عملکردهای بازتولیدشده نمایانده می‌شوند (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۰۲-۷۰۹ به نقل از گیدنز، ۱۹۸۴: ۱۵-۳۰)

¹ Practice

عملکرد ستون اصلی تفکر بوردیو نیز هست. از نظر بوردیو، عملکرد به دو دلیل به بازتولید ساختار و منافع [اجتماعی] گرایش دارد: نخست اینکه به‌یمن طبیعت بازشناسی اجتماعی، انباشت سرمایه مادی و فرهنگی معمولاً باعث تقویت بلندپروازی و تقویت اعتمادبه‌نفس می‌شود (الیوت و ترنر، ۱۳۹۳: ۵۶۹ به نقل از بوردیو، ۱۹۹۶: ۴۱۰) دوم اینکه عملکردهای مسلط معمولاً به خانواده‌های بزرگ تعلق دارند. آنها می‌توانند در محدوده عرصه یا میدانی تخصصی، صلاحیت خودشان را تکمیل کنند و این کار به‌واسطه اعضای خانواده خود آنها، که در میدان‌ها جایگیر شده‌اند صورت می‌گیرد (همان، ۵۷۰). این عملکرد است که ساختمان ذهنی (یا منش) و جهان اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد. از یک سو، منش از طریق عملکرد ساخته می‌شود و از سوی دیگر، در نتیجه عملکرد است که جهان اجتماعی بازتولید می‌شود. اگرچه منش ساختار ملکه‌شده‌ای است که اندیشه و گزینش را مقید می‌کند، تعیین‌کننده جبری اندیشه و کنش نیست. منش یا ساختمان ذهنی پیشنهاد می‌کند، ولی انسان‌ها خرف نیستند، البته کاملاً هم عاقل نیستند (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۲۲).

اگر عملکرد اجتماعی را به دو نوع بیانی و غیربیانی تقسیم کنیم، مذاکره‌ها و مباحث نمایندگان مجلس عملکرد بیانی محسوب می‌شود که ابزار بیان هم زبان است. کارکرد اساسی و بنیادین رسانه‌ای مانند زبان عبارت است از بازنمایی واقعیت‌های جهان خارج برای مخاطبان. اغلب دانش و شناخت ما از جهان به‌واسطه رسانه‌ها ایجاد می‌شود. بر این اساس، بازنمایی عنصری محوری در ارائه تعریف [از واقعیت] است (واتسون و هیل، ۲۰۰۶: ۲۴۸). این تعریف به درستی محیط بیانی را محیطی ایدئولوژیک می‌داند که در چارچوب‌های مشخص ایدئولوژیک فعالیت می‌کند. حال بازنمایی را به‌همراه تولید، مصرف، هویت و مقررات، بخشی از چرخه فرهنگ^۱ می‌داند. او در ابتدا این انگاره را مطرح می‌کند که «بازنمایی معنا و زبان را به فرهنگ ربط می‌دهد» (هال، ۱۹۹۷: ۱۵). سپس، در ادامه بحثش، به بسط ابعاد مختلف انگاره بازنمایی مشتمل بر مفاهیم معنا، زبان و فرهنگ- می‌پردازد و از خلال تحلیل‌های خود نگاهی جدید به مفهوم بازنمایی شکل می‌دهد. مفهومی که به‌گفته خود هال فرایندی «ساده و سرراست» نیست. برای هال، زبان در مفهوم عام آن مطرح است و طیف وسیعی مشتمل بر زبان نوشتاری، گفتاری، تصاویر بصری، زبان علائم حرکتی، زبان مُد، لباس، غذا و... را دربرمی‌گیرد (همان، ۱۹). او نظریه‌های برساختی را با ویژگی عمومی و اجتماعی زبان منطبق می‌داند. بر مبنای این

¹ The Circulate of Culture

رویکرد، چیزها هیچ معنای خودبسنده‌ای ندارند، بلکه ما معانی را می‌سازیم و این عمل را به واسطه نظام‌های بازنمایی مفاهیم و نشانه‌ها انجام می‌دهیم (همان، ۳۴-۳۸).

حال به‌طور ضمنی به مسئله «قدرت» در زبان اشاره می‌کند و آن را نظامی خنثی نمی‌بیند، بلکه زبان را نظامی می‌پندارد که قدرت در خلال آن جریان می‌یابد و این مسئله‌ای است که در دیدگاه سوسوری مغفول مانده‌است. او معتقد است، نگاه صرفاً نشانه‌شناختی، فرایندهای بازنمایی را صرفاً به زبان محدود می‌کند و آن را به نظامی بسته فرومی‌کاهد که به‌واسطه ایستابودن، هدف تهدید جدی قرار می‌گیرد، اما گسترش و بسط بازنمایی در معنای متأخر آن، که بر انگاره فوکویی-دریدایی مبتنی است، آن را به «منبعی برای تولید دانش اجتماعی بدل می‌کند که نظامی باز و مرتبط با کنش‌های اجتماعی و مسئله قدرت است» (هال، ۱۹۹۷: ۴۲).

می‌توان عمل بازنمایی را با نظام بزرگ‌تری به نام گفتمان مرتبط کرد. گفتمان‌ها نظام‌های بازنمایی وسیع‌تر و قدرتمندتری هستند که توان ایجاد و تغییر مفاهیم و معانی را در سطح خرد و کلان دارند. فوکو پرسش از بازنمایی را با نهادهای سیاسی، اشکال مختلف زندگی اجتماعی و نظام‌های ممنوعیت و اجبار مرتبط می‌کند. مهم‌ترین تفاوت میان فوکو و دیدگاه نشانه‌شناختی، نگاه گفتمانی فوکو است. او به‌جای زبان از گفتمان به‌مثابه نظام بازنمایی استفاده می‌کند؛ بنابراین، «گفتمان» از منظر فوکو صرفاً مفهومی «زبان‌شناختی» نیست، بلکه «گفتمان فوکویی تلاشی است برای فائق آمدن بر تمایز سنتی زبان و پراکسیس [عملکرد]» (هال، ۱۹۹۷: ۴۴).

نورمن فرکلاف بر وجود قدرت و ایدئولوژی در بحث گفتمان‌ها تأکید می‌کند. از نظر او، ایدئولوژی ابزار ایجاد و حفظ روابط قدرت در جامعه است و به‌وساطت زبان در نهادهای اجتماعی جریان می‌یابد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲)؛ بنابراین، همچنان‌که نهادهای اجتماعی به شیء‌وارگی و طبیعی‌سازی میل دارند، زبان نیز، که فرآورده و برساخته اجتماعی است، به شیء‌وارگی و طبیعی‌سازی میل دارد و به این طریق به بازتولید وضع موجود می‌پردازد (همان، ۹۶).

نظریه برساخت اجتماعی واقعیت^۱ بر نقش عوامل زمینه‌ای در شکل‌دهی شناخت سوژه‌ها از جهان مادی استوار است. عوامل زمینه‌ای در قالب ایدئولوژی، اراده معطوف به قدرت، خواسته‌ها و امیال گروهی و بسیاری از مؤلفه‌های دیگر نمود می‌یابند و آنچه را از واقعیت شکل می‌گیرد در کسوت امری برساختی ارائه می‌دهند. بی‌شک، چنین سازوکاری بر مبنای حمایت از تحقق هدف یا اهدافی خاص شکل می‌گیرد (استریناتی، ۱۳۸۴: ۱۵۳).

^۱ Social Construction of Reality

مفهوم عاملیت، هرچند عموماً به سطح خرد و کنشگران انسانی ارجاع دارد، می‌تواند به جمع‌های (کلان) کنشگر نیز ارجاع دهد. عوامل انسانی، هم افراد و هم گروه‌های سازمان‌یافته، سازمان‌ها و ملت‌ها به‌شمار می‌آیند (ریتزر، ۱۳۷۷: ۶۶۹). پس، نمایندگان مجلس، احزاب سیاسی، و فراکسیون‌های داخلی مجلس عاملیت‌های اجتماعی محسوب می‌شوند که در چارچوب قواعد و منابع به عملکردهای اجتماعی (مانند بحث و مذاکره) دست می‌زنند.

پنداشت بورديو از عاملیت به تلقی انسان به‌منزله کنشگر یا عامل تعریف‌کننده خود یا کنشگر محاسبه‌گر عقلانی (مانند نظریه معادله یا نظریه گزینش عقلانی) یا کنشگر تابع قاعده (مانند روش‌شناسی مردم‌نگار و نظریه کنش پارسونزی) تقلیل‌پذیر نیست. بورديو کنش فردی را شهودی، راهبردی و ابتکاری توصیف می‌کند (سیدمن، ۱۳۹۳: ۱۹۵-۲۰۴). بورديو ساختارهای عینی را مستقل از آگاهی و اراده عاملان انسانی می‌انگارد، البته عاملیت‌ها می‌توانند عملکردها یا صورت‌های ذهنی‌شان را هدایت و مقید کنند (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۱۵-۷۳۴ به نقل از بورديو، ۱۹۸۹: ۱۴ و ۴۶۸).

گیدنز، برخلاف بورديو، که به‌صورت ضمنی بر قدرت ساختارها در قالب ساختمان ذهنی یا عادت‌واره تأکید دارد، معتقد است که انسان‌ها صرفاً به‌سمت عمل براساس منافع و علائق، ارزش‌ها و نیازها سوق داده نمی‌شوند. آنها صرفاً خود را با هنجارها و عرف اجتماعی وفق نمی‌دهند، بلکه کنش آنها حاوی دانش عملی از جهان و قابلیت تأمل در محیط کنش و به‌کارگرفتن این دانش در رفتار است. انسان‌ها عاملانی مطلع، اهل بازاندیشی و صاحب مهارت‌اند (سیدمن، ۱۳۹۳: ۱۹۳).

نمایندگان مجلس، در جایگاه عاملیت‌های اجتماعی، به پشتوانه سرمایه فرهنگی خود در میدانی به نام مجلس برای کسب قدرت و منزلت تلاش می‌کنند. مفهوم میدان پهنه زندگی اجتماعی مانند هنرها، صنعت، قوانین، پزشکی، سیاست و نظایر آن را شامل می‌شود. منش‌ها به عاملان در به‌دست‌آوردن و کاربرد صورت‌های خاصی از سرمایه فرهنگی، که برای موفقیت در هر حوزه لازم است، کمک می‌کنند یا مانع آنها می‌شوند. این میدان عرصه کشمکش‌ها نیز هست، نوعی بازار رقابتی است که در آن انواع سرمایه‌ها (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نمادین) به‌کار می‌رود. به‌هرروی، زمینه قدرت (سیاسی) از همه مهم‌تر است. سلسله‌مراتب قدرت و زمینه سیاسی، ساختار همه زمینه‌های دیگر را تعیین می‌کند (همان: ۱۹۵-۲۰۴).

مفهوم نهاد تقریباً به‌طور مستقیم از مفهوم کنش [یا عملکرد] و قواعد نشئت می‌گیرد. نهادها سازمان‌دهی قواعد ضمنی (ساختارها) در زمان و مکان‌اند. منظور از نهاد سازمانی شبیه

قلب یا دانشگاه نیست، بلکه مفهومی مانند ازدواج است، نوعی عملکرد اجتماعی که طی زمان طولانی و در مکان عمیقاً جاگیر شده است. کنش‌های انسانی و نیز عملکرد اجتماعی ویژگی‌های معینی دارند که نهادها براساس آنها بنا شده‌اند (کرایب، ۱۳۹۲: ۱۴۵-۱۴۷).

گیدنز معتقد است نهادها مجموعه‌هایی از عملکردها هستند و چهار نهاد را تمییز می‌دهد که عبارت‌اند از نظم‌های نمادین، نهادهای سیاسی، اقتصادی و قانون. او به دگرگونی نهادها در جهت زمان و مکان نیز توجه دارد و تأکید می‌کند که محققان به شیوه‌های دخالت رهبران در نهادهای گوناگون و نقش آنها در دگرگون‌ساختن الگوهای پایه بسیار حساس‌اند (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۰۲-۷۰۹).

بحث درباب ساختارهای اجتماعی با توضیح درباره مفهوم نظام اجتماعی به‌مثابه کل آغاز می‌شود. پارسونز معتقد است نظام اجتماعی از مجموعه‌ای از کنشگران فردی تشکیل شده است که در موقعیتی، که دست‌کم جنبه‌ای فیزیکی یا محیطی دارد، با یکدیگر کنش متقابل دارند. این کنشگران برحسب گرایش به ارضای حد مطلوب برانگیخته می‌شوند و رابطه‌شان با موقعیت هایشان و نیز با یکدیگر برحسب و به‌واسطه نظام ساختاربنده فرهنگی و نمادهای مشترک مشخص می‌شود (ریتزر، ۱۳۷۷: ۱۳۴-۱۳۵ به نقل از پارسونز، ۱۹۵۱: ۵-۷). پارسونز، در جایگاه یک کارکردگرای ساختاری، در جامعه چهار ساختار یا خرده‌نظام را برحسب کارکردهایشان تشخیص می‌دهد: نظام اقتصادی خرده‌نظامی است که کارکرد تطبیق با محیط را از طریق کار، تولید و تخصیص، برای جامعه انجام می‌دهد. سیاست یا نظام سیاسی کارکرد دست‌یابی به هدف را از طریق پیگیری هدف‌های اجتماعی و بسیج کنشگران و منابع در جهت هدف انجام می‌دهد. نظام اعتقادی کارکرد سکون را از طریق انتقال فرهنگ (ارزش‌ها و هنجارها) به کنشگران انجام می‌دهد. سرانجام اینکه، کارکرد یک‌پارچگی را عرف اجتماعی (برای مثال، قوانین) انجام می‌دهد و همین عرف است که عناصر گوناگون جامعه را با هم هماهنگ می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۷: ۱۳۷-۱۳۸ به نقل از پارسونز و پلات، ۱۹۷۳).

با توجه به مباحث پیش‌گفته، در اینجا تبیین چرخش گفتمان‌ها و ساختارها و حتی عاملیت‌ها لازم است؛ بدین‌منظور، می‌توان از نظریه چهار متفکر سود جست: توماس کوهن در تبیین تغییر نظریه‌های علمی به وجود دوران مسالمت‌آمیز و دوران انقلابی قائل است که در اولی تثبیت می‌شوند و همه به آنها عمل می‌کنند و در دومی نظریه مسلط جای خود را به نظریه دیگری می‌دهد. اگر فرض‌های کلیدی زیر سؤال برود و در علم عادی بحران به‌وجود آید و تلاش‌ها نتوانند علم عادی را بازسازی کنند، نظریه و پارادایم جدید مسلط می‌شود (دادگر، ۱۳۹۱).

امره لاکاتوش نیز در روش‌شناسی برنامه‌های پژوهش موضوع تغییرات و نحوه عمل آن در نظریه‌ها را تبیین می‌کند. او معتقد است نظریه‌ها هسته‌ای مقاوم و کمربندی حفاظتی دارند که در هنگام بروز بی‌قاعدگی‌ها به کمکشان می‌شتابند (دادگر، ۱۳۹۱). می‌توان از مفهوم رفتارهای انحرافی مرتون نیز برای بیان نحوه واکنش به سؤال و نیاز جدید استفاده کرد؛ یعنی گفتمان‌ها و ساختارها واکنش‌هایی مانند نوآوری (تغییر کمربند محافظ با حفظ هسته مقاوم)، رسم‌پرستی (مقاومت در برابر سؤال و نیاز جدید بدون تغییر در هسته و کمربند محافظ)، انزواجویی (نا توانی در حفظ تسلط و عقب‌نشینی مسالمت‌آمیز)، طغیان (تغییر در هسته و کمربند حفاظتی، در نتیجه تغییر ساختار یا گفتمان) را بروز می‌دهند (توسلی، ۱۳۷۲: ۲۲۲-۲۲۳ به نقل از مرتون، ۱۹۵۷) به نظر می‌رسد نظریه‌های جهانی‌شدن می‌توانند واکنش درون‌گفتمانی یا درون ساختاری مقابل تغییرات را نیز تبیین کنند؛ برای مثال، پترسون در موضوع واکنش گروه‌ها به تغییرات ناشی از جهانی‌شدن، سه نوع خاص‌گرایی را شناسایی می‌کند: (۱) خاص‌گرایی منزوی، که به دیدگاه و رهیافت فرهنگی گروه‌هایی اطلاق می‌شود که می‌کوشند به شیوه‌های مختلف گروه خود را از محیط اجتماعی و گروه‌های دیگر جدا نگه دارند. مدافعان این نوع خاص‌گرایی، در عین حال که به برتری فرهنگ خود معتقدند، انفعال فرهنگی در پیش می‌گیرند. آنها می‌گویند راه‌ورسم زندگی، آداب و رسوم و باورهای ما به خودمان مربوط است نه کسی دیگر و دیگران باید ما را به حال خود رها کنند. (۲) خاص‌گرایی سرسخت و ستیزه‌جو، که مطلق‌اندیش است و برتری فرهنگی خاصی را ادعا می‌کند، با این تفاوت که در خاص‌گرایی مورد نظر جهانگیرشدن فرهنگ رسالتی چشم‌نابوشیدنی قلمداد می‌شود. پیروان این‌گونه خاص‌گرایی، نه تنها فرهنگ خود را برتر و بی‌همتا می‌دانند، بلکه می‌کوشند با هر مذهب، ابزار سیاسی یا زور و اجبار، آن را بر افراد و گروه‌های دیگر تحمیل کنند. (۳) خاص‌گرایی ریشه‌دار (اصالت‌گرا)، که می‌کوشد تمایز خود را از گروه‌های متأثر از فرایند جهانی‌شدن حفظ کند. این خاص‌گرایان از گرایش‌های ادغام‌کننده فرایند مورد نظر آگاه‌اند، ولی بر حفظ تنوع در برابر آن ادغام و هم‌گرایی تأکید می‌کنند و بر این باورند که توانایی و قابلیت ویژه‌ای برای بازی در جامعه جهانی دارند (به نقل از گل‌محمدی، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۵۵).

در بیان رابطه ساختار، گفتمان و عاملی^۱ با سؤال، نیاز یا موضوع جدید، می‌توان با تکیه بر چشم‌انداز نظری ارائه‌شده، چنین استدلال کرد که نظام اجتماعی کلیتی متشکل از خرده‌نظام‌ها

^۱ S.D.A: S=Structure, D=Discourse, A=Agency

و ساختارهایی مانند سیاست، اقتصاد، نظام اعتقادی، عرف اجتماعی است. هر ساختار سطحی از واقعیت را تشکیل می‌دهد و هر سطحی دارای نظام‌های بازنمایی یا نظم‌گفتمانی و عملیت‌های مخصوص به خود است. برای مثال، خرده‌نظام یا ساختار سیاست، در حال حاضر، در ایران شامل گفتمان‌های اصول‌گرایی، اصلاح‌طلبی و اعتدال‌گرایی است که عملیت‌های سیاستمداران و دولتمردان به هر گفتمان وابسته است. عملیت‌ها در چارچوب ساختارها به عملکردهایی دست می‌زنند که با گفتمان‌ها قابل تعریف و معنایی هستند.

گفتمان‌های هر سطح به دو گروه مسلط و معارض تقسیم می‌شوند. گاهی چندین گفتمان معارض درون ساختارهای جامعه تمییز داده می‌شوند. عملیت‌های وابسته به گفتمان‌های مسلط و معارض در میدان‌های مختلفی با استفاده از سرمایه‌های مختلف خود جهت اعمال قدرت و کسب سلطه رقابت می‌کنند. در برهه‌هایی از زمان، سؤال، نیاز یا موضوع جدیدی به صورت عادی به‌واسطه جامعه، یا به‌صورت غیرعادی و در قالب نیروی فشار به‌واسطه گفتمان یا عملیت معارض درمقابل ساختار، گفتمان یا عملیت مسلط^۱ مطرح می‌شود. اگر آنها توانستند پاسخ مناسبی به این سؤالات و نیازها ارائه دهند می‌توانند به حیات خود ادامه دهند، وگرنه به واکنش‌های ذیل دست می‌زنند:

- (۱) رسم‌پرستی یا خاص‌گرایی صورت‌گرا: زمانی اتفاق می‌افتد که ساختار یا گفتمان مسلط برای بقای خود و حفظ قدرت کم‌کم از اهداف اساسی یا هسته خود دست می‌کشد و تنها پوسته یا کمر بند حفاظتی را نگه می‌دارد.
- (۲) نوآوری یا خاص‌گرایی اصلاح‌طلب: زمانی است که ساختار یا گفتمان مسلط هسته یا اهداف اصلی خود را حفظ می‌کند، اما برای بقا، ظاهر خود یا کمر بند حفاظتی را مطابق موقعیت تغییر می‌دهد.
- (۳) بنیادگرایی یا خاص‌گرایی اصول‌گرا: زمانی اتفاق می‌افتد که ساختار یا گفتمان مسلط به‌هیچ وجه حاضر به تغییر در هسته و پوسته یا کمر بند حفاظتی نیست و سرسختانه بر بقای آنها پافشاری می‌کند. در چنین مواقعی، بین گفتمان مسلط و معارض تنش ایجاد می‌شود.
- (۴) اعتدال‌گرایی: زمانی است که ساختار یا گفتمانی بدون تغییر اساسی در هسته و پوسته (اهداف و وسیله‌ها) فقط قسمتی از آنها را مطابق اوضاع و درجهت گفتمان معارض تغییر می‌دهد.

^۱ D.S.D.A: D=Dominant, S=Structure, D=Discourse, A=Agency

ننایج واکنش خاص‌گرایی اصول‌گرا برای گفتمان مسلط و معارض

- (۱) عقب‌نشینی گفتمان معارض: گاهی قدرت ساختار یا گفتمان مسلط در ایجاد ارتباط و هم‌گرایی بین سطوح ساختاری و عاملیتی و استفاده از ابزار اقناع یا اجبار به‌حدی است که گفتمان معارض توان مقابلهٔ جدی را، دست‌کم در کوتاه‌مدت، ندارد؛ بنابراین، مجبور به عقب‌نشینی می‌شود.
- (۲) تغییر یا چرخش گفتمان مسلط: گاهی به علت ضعف ساختار یا گفتمان مسلط، با قدرت‌گیری گفتمان معارض، همزمان می‌گردد و این باعث ایجاد تغییر دائمی یا موقت ساختار یا گفتمان مسلط می‌شود.

نوع و روش تحقیق

تحقیق حاضر با روش کیفی زیر عنوان «تحلیل گفتمان» انجام گرفته است. از آنجاکه داده‌های خام این تحقیق به‌صورت گفت‌وگو و مذاکره بوده‌اند، به‌نظر می‌رسد روش تحلیل گفتمان بهتر می‌تواند محقق را در رسیدن به این اهداف یاری رساند.

جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر، متن جلسه‌های مذاکرهٔ نمایندگان مجلس شورای ملی (دوره‌های بیست‌ویکم و بیست‌وسوم) در تاریخ‌های ۱۳۴۶/۲/۲۸، ۱۳۵۲/۱۲/۲۱، ۱۳۵۲/۱۲/۲۳ و ۱۳۵۳/۱۱/۱۵ است. از آنجاکه مطالعهٔ اولیه نشان داد در موضوع خانواده هیچ بحث جدی‌ای در مجالس سیزدهم تا بیستم صورت نگرفته‌است، از تحلیل این جلسه‌ها صرف‌نظر شد و فقط مجلس بیست‌ویکم و بیست‌وسوم، که موضوع حمایت از خانواده را مطرح کرده‌اند، هدف تحلیل واقع شدند و چون کل متن مزبور بررسی شد، نیازی به نمونه‌گیری نبود.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل گفتمان‌های خانواده از دید جامعه‌شناختی، داده‌ها در سه سطح بررسی و تحلیل شدند: سطح متنی^۱ (با روش تحلیل محتوا و تحلیل نشانه)، سطح زمینه‌ای^۲ (در دو سطح

^۱ Textual Level (Analysis)

^۲ Contextual Level (Analysis)

موقعیتی و بینامتنی)، و سطح تفسیری.^۱ باید توجه داشت که رابطه سطوح با یکدیگر دایره‌ای است نه خطی.

پایایی و اعتبار

در تحلیل گفتمان بحث تفسیر در میان است و از داده‌های کمی یا سخت خبری نیست. اعتبار چنین پژوهشی به قدرت استدلال‌های آن متکی است؛ حتی استدلال‌هایی که به‌بهترین‌وجه ساختار یافته‌اند ممکن است در معرض مطالعه ساختار شکنانه و تفسیرهای خلاف و نقض‌کننده قرار گیرند. با این حال، یورگنسن و فیلیپس سه معیار برای اعتبار ارائه می‌دهند که اعتبار پژوهش حاضر نیز بر مبنای آن بیان می‌شود.

جدول ۱. معیارهای اعتبار تحلیل گفتمان و انطباق آن با تحقیق

معیارهای اعتبار	انطباق معیار با پژوهش
استحکام تحلیل	تلاش شده تمام مشخصه‌های متن مذاکره‌های نمایندگان هدف توجه و بررسی قرار گیرند.
جامعیت تحلیل	تلاش شده تمام جنبه‌های مرتبط با خانواده در متن ارزیابی و بررسی قرار شود.
شفافیت تحلیل	سعی شده روش، مراحل تحقیق و یافته‌های آن به‌طور قابل فهم و روشن بیان و امکان بازتحلیل بر مبنای آن فراهم شود.

مسئله پایایی در تحلیل گفتمان با این موضوع سروکار دارد که آیا پژوهشگران گوناگون متن را با روش‌های مشابه به‌طور مشابهی تفسیر خواهند کرد؟ طبق نظر استراتون، با توجه به اینکه احتمال دارد پژوهشگران در زمینه عامل‌های انگیزشی، انتظارها، آشنایی و اجتناب از ناراحتی با هم فرق داشته باشند، هیچ تضمینی برای چنین پایایی‌ای وجود ندارد؛ بنابراین، باید پذیرفت که تفسیر داده‌ها در این گزارش جنبه ذهنی دارند و پژوهشگر دیگری ممکن است این داده‌ها را به‌صورت متفاوتی تفسیر کند (میرزایی، ۱۳۹۵: ۱۰۶).

یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای متن مذاکره‌های نمایندگان مجلس شورای ملی
بیست و یکم و بیست و سوم

¹ Interpretational Level (Analysis)

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان‌های خانواده در مذاکره‌های مجالس قانون‌گذاری ایران (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷)

در این قسمت، یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای متن مذاکره‌ها در قالب موضوعات ذیل تشریح شده‌اند: مرد در خانواده، زن در خانواده، فرزند در خانواده، نهادهای مؤثر بر خانواده (دین و اعتقادات مذهبی، قانون اساسی)، اشخاص حقیقی و حقوقی مؤثر بر خانواده (افکار عمومی، گروه‌ها و افراد)، و نظام بین‌المللی مؤثر بر خانواده. اهمیت وجودی خانواده و عوامل مؤثر بر حفظ یا تزلزل آن از دیگر موضوعاتی است که به آن پرداخته شده‌است.

جدول ۲. جایگاه موضوعات خانواده در مذاکره‌های نمایندگان مجلس بیست‌ویکم و بیست‌وسوم شورای ملی (حامیان لایحه)

مقوله یا مفهوم	موارد مورد تأکید در مجلس ۲۱	موارد مورد تأکید در مجلس ۲۳
شوهر	<ul style="list-style-type: none"> - حق داشتن همسر اول - حق داشتن همسر دوم (با کسب اجازه از دادگاه و اجرای عدالت) - حق داشتن همسر موقت - حق طلاق (با اخذ گواهی عدم امکان سازش از دادگاه) 	<ul style="list-style-type: none"> - حق داشتن همسر دوم (با کسب اجازه از دادگاه و تمکن مالی و اجرای عدالت) - حق طلاق (با اخذ گواهی عدم امکان سازش از دادگاه) - حق منع اشتغال زن - تکلیف پرداخت نفقه به زن (متناسب با شئون خانوادگی) - تکلیف پرداخت نفقه یا مقرری به زن بعد از طلاق - تکلیف وفاداری به همسر - تکلیف عدم ظلم به زن
پدر	<ul style="list-style-type: none"> - وظیفه حضانت فرزند (در صورت داشتن صلاحیت) - وظیفه تأمین مخارج فرزند (در صورت استطاعت مالی) 	-----
زن (همسر)	-----	<ul style="list-style-type: none"> - حق منع اشتغال شوهر بدون پیش شرط - حق تملک قدرت طلاق مرد - حق بهره‌مندی از دارایی مرد
مادر	- حق دخالت در امور اقتصادی فرزند	-----

	<p>- حق حضانت - حق ولایت قهری بعد از مرگ پدر و غیاب جد پدری - وظیفه تربیت فرزند - حق آگاهی از اهداف انقلاب و دنیای مدرن برای تربیت فرزند</p>	
<p>- حق ارتقای شخصیتی - حق توجه به نیازهای روحی - حق آزادی - حق پیشرفت - حق دفاع از حقوق خود - حق آگاهی و تحصیل - حق مساوی با مرد</p>	<p>-----</p>	<p>نقش انسانی زن</p>
<p>- داشتن مسئولیت اجتماعی - حق مشارکت سیاسی و اجتماعی</p>	<p>-----</p>	<p>نقش اجتماعی</p>
<p>- حق زندگی در محیط آرام‌تر و باثبات‌تر - حق زندگی در محیط بدون لج و لجبازی والدین - حق تأمین نیازهای مالی از طرف والدین</p>	<p>- حق زندگی در کنار پدر و مادر (بدون جدایی) - حق داشتن زندگی آرام و بدون دعوا و مراغه - حق داشتن زندگی باثبات و بدون سرگردانی - حق کسب محبت و حمایت از طرف والدین - حق دریافت تربیت صحیح - حق تأمین نیازهای مادی توسط والدین</p>	<p>فرزند</p>

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان‌های خانواده در مذاکره‌های مجالس قانون‌گذاری ایران (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷)

<p>- تأکید بر تساوی حقوق زن و مرد (به‌استناد آیه قرآن^۱) - تأکید بر میغوض‌بودن طلاق (به‌استناد حدیثی از پیامبر^۲) - تأکید بر عدم تعدد زوجات (به‌استناد رأی علما^۳ و آیه قرآن^۴)</p>	<p>- قرائت اعتدالی از دین - تساوی زن و مرد در دین - توجه عاملان سیاسی (شاهنشاه، دولت، طراحان لایحه) بر دین در لایحه حمایت خانواده - توجه به نظر پیشوایان حقیقی اسلام و روحانیون بزرگ و حوزه‌های علمیه درباب لایحه حمایت خانواده - انطباق لایحه با قرآن و احکام شرع - جلوگیری از رفتار خودسرانه به نام دین بعد از تصویب و اجرای لایحه - اجرای خواسته‌های پیامبر با تصویب و اجرای لایحه - اجرای احکام دین با تصویب و اجرای لایحه</p>	<p>دین</p>
<p>- تأکید بر وجود حقوق سیاسی در قانون اساسی</p>	<p>- تساوی حقوقی زن و مرد به‌استناد اصل ۸^۵ متمم قانون اساسی</p>	<p>قانون اساسی</p>
<p>- تأکید بر تأیید لایحه از سوی اکثر خانم‌های فعال در سازمان‌های مختلف - تأکید بر تهیه و تنظیم لایحه از جانب علمای حقوق</p>	<p>- توجه به افکار عمومی درباب حقوق خانواده - تلاش برای تأیید لایحه از طرف حوزه علمیه - تلاش برای تأیید لایحه از طرف پیشوایان حقیقی اسلام و روحانیون بزرگ - پیروزی اجتماع بر افراد ماجراجو، حاملان افکار جامد و کهنه با تصویب لایحه</p>	<p>افکار عمومی، گروه‌ها و افراد</p>

^۱ المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و... (احزاب / ۳۵)

^۲ ما احلّ الله شیئاً ابغض الیه الطلاق (کنز‌الاعمال، ۹: ۶۶۱)

^۳ تعدد زوجات حرام بالغیر است (نظر برخی از علما)

^۴ و لن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء و الواحد منهم... (نساء / ۱۲۹)

^۵ اصل هشتم متمم قانون اساسی مشروطه: اهالی مملکت ایران در برابر قانون متساوی‌الحقوق‌اند.

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره یازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶

<p>- اشاره به اعطای نشان آزادی از سوی مؤسسه امریکایی به علت آزادی زنان ایران - توجه آن طرف دنیا به ایران - ادعای پیشرفته‌تر بودن قوانین ایران نسبت به برخی کشورها</p>	<p>- توجه به حفظ حقوق خانواده طبق اصول ممالک دیگر - نزدیک شدن ایران به سطح مترقی‌ترین جوامع با به‌کارگیری نیروی فعال زنان - تأیید شدن تکلیف زن در پرورش فرزند از طرف تمام دنیا</p>	<p>نظام بین المللی</p>
<p>- تلاش جهت رفاه اجتماع و خانواده به‌منزله هسته مرکزی اجتماع - خانواده کوچک‌ترین سلول اجتماع - خانواده ناسالم مساوی اجتماعی ناسالم - خانواده مهم‌ترین واحد اجتماع</p>	<p>- خانواده یک واحد اجتماعی - تأثیر متقابل خانواده و اجتماع - حفظ خانواده یک خواسته اجتماعی - منفور بودن جدایی در خانواده</p>	<p>خانواده</p>
<p>- تصویب و اجرای لایحه حمایت خانواده - توجه به حقوق خانواده - آرامش در خانواده - صمیمیت و تفاهم</p>	<p>- لایحه حمایت خانواده - صلح در خانواده - مشکل کردن طلاق - تلاش برای مصالحه و جلوگیری از طلاق (طبق توصیه قرآن)</p>	<p>عوامل ثبات خانواده</p>
<p>- ظلم زن و مرد به خانواده، مثلاً ازدواج مجدد - فقدان محبت - وجود همسر دوم مرد</p>	<p>- سپردن سرنوشت خانواده به دست دو نفر (زن و مرد) - عدم اقدام برای ایجاد سازش (برخلاف دستور اسلام) - وجود صفاتی مانند حرص، آز، هوس و خشم - ازدواج مجدد بدون دلیل و از روی هوا و هوس</p>	<p>عوامل تزلزل خانواده</p>
<p>- تلاش در جهت ساختن جامعه مترقی‌تر برای رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ - مترقی بودن لایحه نسبت به گذشته و تناسب آن با ترقیات جامعه امروز - رشد فکری جامعه - احساس ضرورت اصلاحات جدید در لایحه با توجه به نظریات ترقی خواهانه</p>	<p>-</p>	<p>ترقی</p>

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان‌های خانواده در مذاکرات مجلس قانون‌گذاری ایران (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷)

<p>- مترقی‌بودن لایحه حمایت خانواده</p> <p>- تلاش برای اجرای تحصیلات رایگان و بالارفتن سطح دانش مردم جهت رفع نواقص قانونی خانواده در آینده</p> <p>- ادعای مترقی‌بودن لایحه در سطح دنیای امروز</p> <p>- تأکید رهبر انقلاب (سفید) یعنی شاهنشاه بر ترقی زنان</p> <p>- تلاش جهت ارائه پیشنهادهایی در شأن جامعه پیشرفته ایران</p> <p>- ادعای پیشرفته‌بودن اجتماع</p> <p>- اعتلای سطح مادی و معنوی و اجرای عدالت به عنوان هدف انقلاب (سفید)</p> <p>- زیرسؤال‌رفتن چندهمسری در عصری که انسان به کره ماه می‌رود</p> <p>- تلاش جهت تأمین رفاه برای اجتماع در دنیای متمدن امروزی</p>		
--	--	--

یافته‌های حاصل از تحلیل نشانه‌های متن مذاکرات نمایندگان مجلس بیست‌ویکم و

بیست‌وسوم

در تحلیل نشانه‌شناختی متن مذاکرات مجلس بیست‌ویکم، هرگاه نشانه مستقیم یا غیرمستقیمی از رساله‌های عملیه مراجع تقلید شیعه دوازده‌امامی و آیه‌ها و روایت‌های دینی (به منزله نماد رویکرد سنتی مذهبی) وجود داشته باشد، نشان‌دهنده ثبات سنت است و هرگاه نشانه‌ای از منشور حقوق بشر (به‌منزله نماد رویکرد مدرن) و مواد انقلاب سفید وجود داشته باشد، نشان‌دهنده گرایش به مدرنیته یا نوگرایی است؛ هرگاه هم نشانه‌ای سنتی با مدلول یا نشان‌شده مدرن به کار رفته باشد، رویکرد اعتدالی تداعی می‌شود.

جدول ۳. نشانه‌شناسی متن مذاکرات نمایندگان مجلس بیست‌ویکم شورای ملی (حامیان لایحه)

نشان‌شده یا مدلول	نشانهگر یا دال
اعتدالی	حق داشتن همسر دوم برای مرد با کسب اجازه از دادگاه و اجرای عدالت
اعتدالی	حق طلاق برای مرد با اخذ گواهی عدم امکان سازش از دادگاه
اعتدالی	ولایت قهری مادر بعد از مرگ پدر
نوگرا	آگاهی از اهداف انقلاب و دنیای مدرن برای تربیت فرزند

سنتی	وظیفه تربیت فرزند
اعتدالی	قرائت اعتدالی از دین
اعتدالی	تساوی زن و مرد در دین
سنتی	توجه عاملان سیاسی (شاهنشاه، دولتمردان و ...) به دین در تدوین لایحه
سنتی	نظر پیشوایان حقیقی اسلام و روحانیون بزرگ
سنتی	انطباق لایحه با قرآن و احکام
سنتی	اجرای خواسته‌های پیامبر با تصویب و اجرای لایحه
سنتی	اجرای احکام دین با تصویب و اجرای لایحه
نوگرا	تساوی حقوق زن و مرد
نوگرا	توجه به افکار عمومی در باب حقوق خانواده
سنتی	تلاش برای تأیید لایحه از طرف حوزه علمیه
نوگرا	پیروزی اجتماع بر افراد ماجراجو، حاملان افکار جامد و کهنه
نوگرا	حفظ حقوق خانواده طبق اصول ممالک دیگر
نوگرا	به‌کارگیری نیروی فعال زنان
نوگرا	حفظ خانواده، خواسته اجتماعی
سنتی	تلاش برای ایجاد سازش بین زن و شوهر طبق دستور اسلام

طبق بیست نشانگر یا دالی که در مباحث و مذاکره‌های حامیان لایحه در مجلس بیست‌ویکم شورای ملی شناسایی شد، هشت نشانه ثابت سنت و هفت نشانه نوگرایی و پنج نشانه مربوط به اعتدال وجود دارد. منظور از اعتدال در این پژوهش قرائت نوگرایانه و تساوی‌طلبانه از دال‌های سنتی مانند آیات و روایات است.

جدول ۴. نشانه‌شناسی متن مذاکره‌های نمایندگان مجلس بیست‌وسوم (حامیان لایحه)

نشانه شده یا مدلول	نشانگر یا دال
اعتدالی	داشتن همسر دوم با کسب اجازه از دادگاه و تمکن مالی و تعهد اجرای عدالت
اعتدالی	حق طلاق مرد با اخذ گواهی عدم امکان سازش از دادگاه
سنتی	منع اشتغال زن
سنتی	پرداخت نفقه به زن متناسب با شئون خانوادگی
اعتدالی	پرداخت نفقه یا مقرری به زن بعد از طلاق
نوگرایی	وفاداری به همسر
نوگرایی	منع اشتغال شوهر
نوگرایی	بهره‌مندی زن از دارایی مرد
اعتدالی	ولایت قهری مادر نسبت به فرزند بعد از پدر
نوگرایی	ارتقای شخصیتی زن
نوگرایی	توجه به نیازهای روحی زن

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان‌های خانواده در مذاکره‌های مجالس قانون‌گذاری ایران (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷)

نوگرایی	آزادی زن
نوگرایی	پیشرفت زن
نوگرایی	حق دفاع زن از حقوق خود
نوگرایی	آگاهی و تحصیل زن
نوگرایی	مسئولیت اجتماعی زن
نوگرایی	مشارکت سیاسی- اجتماعی زن
نوگرایی	تساوی زن و مرد
اعتدالی	تساوی حقوق زن و مرد به‌استناد آیات
اعتدالی	حقوق سیاسی زن به‌استناد آیات و روایات
سنتی	اجرای عدالت در حق زن به‌استناد آیه قرآن
سنتی	میغوض‌بودن طلاق به‌استناد روایت
اعتدالی	عدم تعدد زوجات به‌استناد آیه قرآن و نظر علما
نوگرایی	وجود حقوق سیاسی زن در قانون اساسی
نوگرایی	تأیید لایحه توسط خانم‌های فعال در سازمان‌های مختلف
نوگرایی	عقد و تنظیم لایحه توسط علمای حقوق
نوگرایی	اعطای نشان آزادی از سوی مؤسسه آمریکایی به‌علت آزادی زنان ایران
نوگرایی	توجه آن طرف دنیا به ایران
نوگرایی	پیشرفته‌تر بودن قوانین ایران نسبت به برخی کشورها
نوگرایی	تلاش جهت ساختن جامعه مترقی‌تر برای رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ
نوگرایی	مترقی‌بودن لایحه نسبت به گذشته و تناسب آن با ترقیات جامعه امروز
نوگرایی	رشد فکری جامعه
نوگرایی	احساس ضرورت اصلاحات جدید در لایحه با توجه به نظریات ترقی خواهانه
نوگرایی	مترقی‌بودن لایحه حمایت خانواده
نوگرایی	تلاش برای اجرای تحصیلات رایگان و بالارفتن سطح دانش مردم جهت رفع نواقص قانون خانواده در آینده
نوگرایی	ادعای مترقی‌بودن لایحه در سطح دنیای امروز
نوگرایی	تلاش رهبر انقلاب (سفید) یعنی شاهنشاه برای ترقی زنان
نوگرایی	تلاش جهت ارائه پیشنهادهایی در شأن جامعه پیشرفته ایران
نوگرایی	ادعای پیشرفته‌بودن اجتماع
نوگرایی	هدف انقلاب (سفید) اعتلای سطح مادی و معنوی و اجرای عدالت است
نوگرایی	زیرسؤال‌رفتن چندموسری در عصری که انسان به کره ماه می‌رود
نوگرایی	تلاش جهت تأمین رفاه برای اجتماع در دنیای متمدن امروزی
نوگرایی	حفظ و ترقی خانواده مساوی حفظ و ترقی اساس جامعه

همان‌طور که در جدول مشخص است، از ۴۳ دال یا نشانگر، ۳۲ دال نوگرایی، ۴ دال سنت و ۷ دال اعتدال تفکیک پذیرند.

شناسایی گفتمان‌های خانواده در مذاکره‌های نمایندگان مجلس شورای ملی دوره‌های بیست‌ویکم و بیست‌وسوم

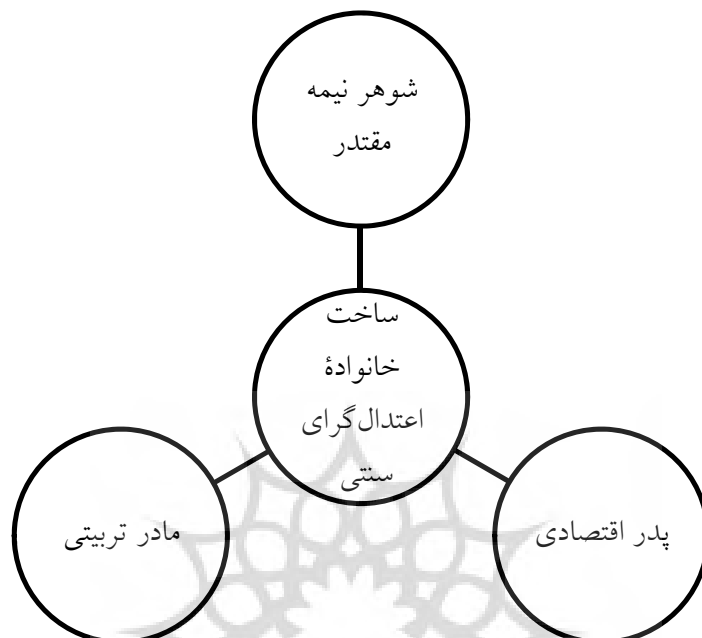
در مجلس بیست‌ویکم شورای ملی با توجه به تحلیل متنی (تحلیل محتوا و تحلیل نشانه) می‌توان گفتمان مسلط خانواده را «گفتمان اعتدال‌گرای سنتی» نامید؛ زیرا وجود ۱۰ نشانه سنت (۴۳ درصد) و ۱۳ نشانه اعتدال و نوگرایی (۵۶/۲۵ درصد) و استناد اعتدالی به ایده‌آل تاپپ سنت (رساله‌های عملیه مراجع تقلید) و آیات و روایات، بر سنگینی نسبی کفه اعتدال سنتی دلالت دارد.

مفصل‌بندی دال‌های گفتمان مزبور شامل دال مرکزی گفتمان «حفظ خانواده اعتدالی سنتی» و دال‌های اصلی «مادر تربیتی»، «پدر اقتصادی» و «شوهر اقتداری» است. حفظ خانواده اعتدالی سنتی: جهت‌گیری کلی گفتمان سنتی خانواده قرارداد پدر در رأس هرم قدرت است. در این نوع خانواده، مادر در مقام دوم و سپس فرزندان قرار دارند. با بقای حق شوهر در اختیار همسر دوم و حق طلاق (هرچند با شرط و شروط) و واگذاری وظیفه تربیت به مادر این گفتمان حفظ می‌شود.

مادر تربیتی: در گفتمان اعتدال‌گرای سنتی، زن عمدتاً با نقش مادری و در ارتباطش با فرزند تعریف می‌شود. زن در جایگاه مادر باید از ظرفیت آگاهی، توان اقتصادی و قدرت سرپرستی جهت تربیت فرزند استفاده کند.

پدر اقتصادی: یکی از نقش‌های مرد در گفتمان سنتی خانواده نقش پدری است، نقشی که تکالیف و وظایف آن صرفاً به حوزه اقتصادی و وظیفه نگهداری و تأمین مخارج فرزند محدود است.

شوهر اقتداری: مرد در گفتمان اعتدال‌گرای سنتی خانواده، علاوه بر نقش پدر، نقش مهم‌تر دیگری برعهده دارد و آن نقش شوهر است، نقشی که مهم‌ترین حق آن حق مطلق طلاق و حق داشتن همسر دوم است و این حقوق اقتدار مرد را در خانواده سنتی تعیین می‌کند.



شکل ۱. مفصل‌بندی گفتمان اعتدالی‌گرای سنتی خانواده در مجلس بیست‌ویکم شورای ملی

جدول ۵. ویژگی‌های اصلی گفتمان اعتدالی‌گرای سنتی خانواده در مجلس بیست‌ویکم شورای ملی

اعتدالی‌گرای سنتی خانواده در مجلس بیست‌ویکم	نام گفتمان
احکام دین، تربیت فرزند، همسر دوم، حق طلاق، حضانت	واژگان کانونی
مخالف ۱. حق مطلق طلاق، تعدد زوجات، رضایت شوهر مخالف ۲. عدالت	واژگان کانونی مخالفان
با قرأت اعتدالی از دین می‌توان احکام شرعی خانواده را با توجه اقتضانات زمانی تعدیل کرد (مثلاً با ایجاد شرط و شروط برای حق ازدواج مجدد مرد)	استدلال اصلی حامیان
مخالف ۱. نمی‌توان حقوق شرعی در خانواده مانند حق مطلق طلاق، رضایت شوهر در طلاق، تعدد زوجات را نادیده گرفت یا تعدیل کرد. مخالف ۲. به‌علت عدم امکان اجرای عدالت ازدواج دوم مخدوش است.	استدلال اصلی مخالفان
حفظ خانواده اعتدالی سنتی	دال مرکزی
مادر تربیتی، پدر اقتصادی، شوهر اقتداری	دال‌های اصلی

با تحلیل متنی مذاکره‌های مجلس بیست‌وسوم، می‌توان «گفتمان نوگرای اصلاح‌طلب» را گفتمان مسلط این مجلس به‌حساب آورد.

از ۶۰ نشانه شناسایی شده، ۵۴ نشانه (۹۰ درصد) متعلق به اعتدال و نوگرایی و ۶ نشانه (۱۰ درصد) متعلق به سنت بود و این بر برتری مطلق رویکرد نوگرایی و اعتدال در مذاکره‌ها دلالت دارد.

«گفتمان نوگرایی اصلاح طلب خانواده» که نمونه ایده آل آن اعلامیه جهانی حقوق بشر است با دال مرکزی «ساخت خانواده نوگرا» و دال‌های اصلی «زن (همسر) قدرتمند»، «مادر قدرتمند»، «زن مستقل»، «زن اجتماعی» و «شوهر اقتصادی وفادار» شناخته می‌شود.

ساخت خانواده نوگرا: منظور از خانواده نوگرا در مجلس بیست و سوم شورای ملی، خانواده‌ای است که زن و مرد حقوق و تکالیف تقریباً مساوی دارند؛ برای مثال، حق منع اشتغال همدیگر، حق طلاق، حق مشارکت سیاسی-اجتماعی، وظیفه تأمین نیازهای اقتصادی فرزند و...

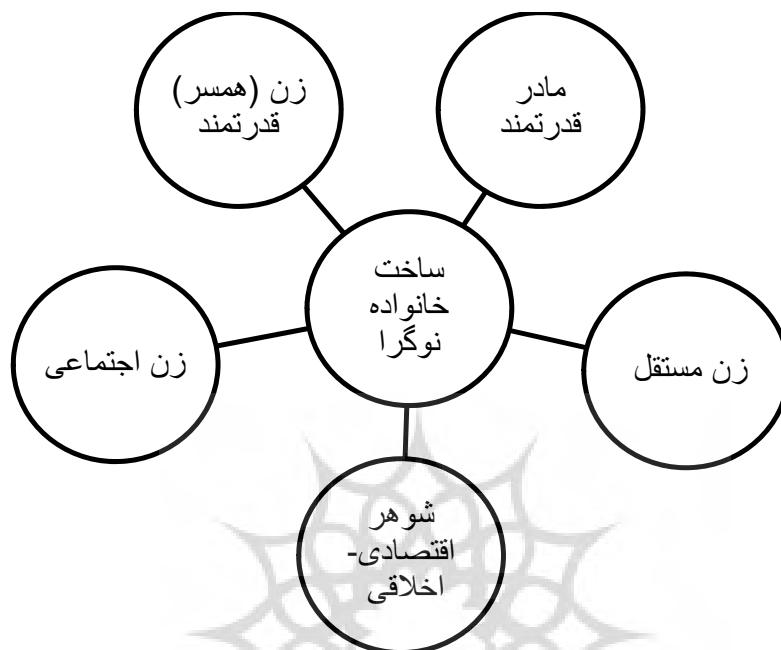
زن به مثابه همسر قدرتمند: در گفتمان مزبور، زن حق اعمال قدرت بر شوهر را در منع اشتغال او به شغل منافی حیثیت خانوادگی بدون پیش شرط، حق تملک قدرت طلاق مرد و حق بهره‌مندی از دارایی مرد را برخلاف گذشته به دست آورده است.

مادر قدرتمند: در گفتمان نوگرایی اصلاح طلب، مادر حق ولایت قهری و سرپرستی فرزند را به دست آورده است. او همچنین وظیفه تأمین نیازهای اقتصادی فرزند را در کنار پدر یا در فراق او برعهده دارد.

زن مستقل: گفتمان نوگرایی اصلاح طلب مجلس، با اعطای حقوقی مانند حق ارتقای شخصیتی، توجه به نیازهای روحی، حق آزادی، حق پیشرفت، حق دفاع از خود و حق آگاهی و تحصیل، شخصیت مستقلی به زن داده است. شخصیت مستقل از نقش‌های مادری و همسری و زن به منزله انسان با خواسته‌ها و حقوق فردی در نظر گرفته شده است.

زن اجتماعی: گفتمان نوگرایی اصلاح طلب به زن در کنار تساوی حقوق با مرد، حق مشارکت سیاسی-اجتماعی و مسئولیت اجتماعی داده و با این رویکرد زن را وارد زندگی اجتماعی کرده است.

شوهر اقتصادی - اخلاقی: در گفتمان نوگرایی از دو بعد به مرد پرداخته شده است: در بعد اقتصادی، حق منع اشتغال همسر و وظیفه تأمین نیازهای مادی او و در بعد اخلاقی، وظیفه وفاداری به همسر و عدم ظلم به او را برعهده دارد.



شکل ۲. مفصل‌بندی گفتمان نوگرای اصلاح‌طلب خانواده در مجلس بیست‌وسوم شورای ملی

جدول ۶. ویژگی‌های اصلی گفتمان نوگرای اصلاح‌طلب خانواده در مجلس بیست‌وسوم شورای ملی

نام گفتمان	نوگرای اصلاح‌طلب خانواده در مجلس بیست‌وسوم
واژگان کانونی	ترقی - گرایش به تساوی حقوق زن و مرد - حقوق فردی و اجتماعی زن - تک همسری
واژگان کانونی مخالفان	تساوی حقوق زن و مرد، نفی شدید ازدواج مجدد، سنت‌ستیزی
استدلال اصلی حامیان	علاوه بر تساوی حقوقی زن و مرد در خانواده، زنان دارای هویت فردی و اجتماعی هستند و این از نشانه‌ها و از علل ترقی جامعه است.
استدلال اصلی مخالفان	حتی وجود تعدد زوجات مشروط هم از موانع ترقی است.
دال مرکزی	ساخت خانواده نوگرا
دال‌های اصلی	زن (همسر) قدرتمند، مادر قدرتمند، زن مستقل، زن اجتماعی، شوهر اقتصادی-اخلاقی

یافته‌های حاصل از تحلیل زمینه مذاکره‌های نمایندگان مجلس بیست‌ویکم و بیست‌وسوم شورای ملی

در سطح زمینه‌ای به یافته‌های حاصل از تحلیل زمینه موقعیتی و تحلیل زمینه‌ای بینامتنی پرداخته شده است. زمینه موقعیتی به دو شکل عاملیت‌محور و ساختارمحور درخور بررسی است. مجلس بیست‌ویکم از لحاظ عاملیتی به دو گروه تقسیم می‌شود: (۱) حامیان لایحه شامل افرادی مانند حادقی، یگانگی، ارفع، الموتی، صدر، تربیت، مهذب، دولتشاهی، محسنی و (۲) مخالفان یا منتقدان شامل گروه (۱) معتمدی و (۲) صادق احمدی، شیخ‌الاسلامی، و مبین و اکثراً از حزب ایران نوین بودند.

در مجلس بیست‌وسوم حامیان و مخالفان یا منتقدان لایحه همه عضو حزب رستاخیز بودند و گروه اول را افرادی مانند وزیری، دادفر، جهانبانی، شیخ‌الاسلامی، انوشیروانی، اخلاقی؛ و گروه دوم را نمایندگانی مانند صفی‌نیا، فضائلی، طالقانی، دولتشاهی، ادهم، بوشهری، ابتهاج، سمیعی، صنیعی، منیره، سعیدی، هما زاهدی، امیر ابراهیمی، و فرهادپور تشکیل می‌دادند.

در «تحلیل زمینه موقعیتی ساختارمحور» به بررسی ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هم‌زمان با مجلس بیست‌ویکم و بیست‌وسوم پرداخته می‌شود. بررسی اوضاع اقتصادی نشان می‌دهد که دولت پهلوی بعد از کودتای ۲۸ مرداد، بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶، کمک مالی فوق‌العاده‌ای به ارزش ۱۴۵ میلیون دلار از ایالات متحده آمریکا دریافت کرد. همچنین عایدات نفتی ایران از ۳۴ میلیون دلار در سال ۱۳۳۳ به ۴۳ میلیون دلار در سال ۱۳۴۱ رسید (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۵۱۶). به نقل از فرشارکی، ۱۹۷۶: ۱۳۳) اما این درآمد با وجود هزینه برنامه‌های توسعه و هزینه‌های نظامی و کاهش برداشت محصولات کشاورزی در ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ کافی نبود و دریافت وام لازم بود. دریافت وام از صندوق بین‌المللی پول، مشروط به کاهش دستمزدها و دریافت وام از آمریکا، مشروط به وارد کردن لیبرال‌ها به کابینه و اصلاحات ارضی بود. امینی، نخست‌وزیر وقت، اصلاحات ارضی را با وجود مخالفت طبقات سنتی اجرا کرد و قدرت را از طبقه زمین‌داران محافظه‌کار گرفت و این موفقیت شاه را بر آن داشت تا با بهره برداری از موقعیت به‌وجود آمده، قانون شش‌ماده‌ای معروف به «انقلاب سفید» را اعلام کند، انقلابی که اصول آن، علاوه بر اصلاحات ارضی، شامل اصلاحات اقتصادی دیگری نیز بود (همان، ۳۱۶-۳۱۸).

از لحاظ سیاسی، از دوره پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به دوران تثبیت قدرت محمدرضا شاه پهلوی تعبیر می‌شود (همان، ۵۱۶). شاه از همکاری‌های فنی سازمان اطلاعاتی موساد، سیا و اف‌بی‌آی برای تشکیل پلیس مخفی جدیدی با عنوان ساواک استفاده کرد. از اواسط دهه ۱۳۴۰، شاه کنترل قدرت را در دست گرفت. او از حکومت نظامی، دادگاه‌های نظامی و قانون ۱۲۹۰ برضد نظام کمونیستی سود جست، تا نه تنها حزب توده، بلکه جبهه ملی

و دیگر احزاب را تارومار کند. بخش عظیمی از درآمد نفتی صرف خرید تسلیحات نظامی از کشورهای غربی شد و نیروی نظامی و امنیتی یکی از پایه‌های قدرت شاه محسوب شد. پس از انتخاب علی امینی به نخست‌وزیری، او مجلس بیستم را، که بسیاری از نمایندگانش زمین‌داران محافظه‌کار بودند، منحل کرد، با جبهه ملی گفت‌وگو کرد و سه پست وزارت را به اصلاح‌طلبان طبقه متوسط، منتقدان گذشته شاه و خانواده‌اش واگذار کرد. او وزارت دادگستری را به نورالدین الموتی، یکی از رهبران حزب توده، سپرد (همان، ۵۲۰).

شاه اصلاحات سیاسی اندکی نیز انجام داد که برخی از آنها جزئی از مواد شش‌گانه انقلاب سفید بودند، موادی که از جمله آن اصلاح قانون انتخابات، اعطای حق رأی و حق نمایندگی مجلس به زنان بود که در نتیجه آن، برای اولین بار شش‌زن به مجلس بیست‌ویکم راه یافتند. پس از آن و تحت تأثیر افزایش آمار تمام شاخص‌های اقتصادی، شاه به اصلاحات اجتماعی دست زد، از جمله تشکیل سپاه دانش و سپاه بهداشت. در نتیجه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی، جمعیت شهری در دهه ۴۰، افزایش چشمگیری یافت (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۵۲۶-۵۳۰). در سال ۴۶، اصلاحات اجتماعی شاه به حوزه خانواده رسید و برای اولین بار در تاریخ، لایحه‌ای برای حمایت از خانواده تنظیم و برای بررسی به مجلس فرستاده شد.

با وجود تمام اصلاحات و تغییرات توسعه‌ای در ساختار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ساختار فرهنگی متن جامعه هنوز به شدت سنتی و مذهبی بود. شاه در دهه ۳۰، درباره طبقات سنتی، از جمله روحانیون، جانب احتیاط را رعایت می‌کرد تا سبب رنجش و ناراحتی آنان نشود. دولت به تقویت و حمایت از مذهب متعهد بود و همواره حزب توده را «دشمن مالکیت خصوصی و اسلام» می‌خواند (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۵۱۷).

اما به تدریج و به‌پشتوانه رشد سریع اقتصادی، از اوایل دهه ۴۰، رخنه در تسلط گفتمان سنتی بر عرصه فرهنگی آغاز شد. انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی و حذف شرط سوگند به قرآن و طرح ورود زنان به عرصه انتخابات، طرح انقلاب سفید و ایجاد سپاه دین اولین مقابله‌های رسمی ساختار سیاسی با ساختار فرهنگی حاکم یعنی دین بود. تفکیک دین از سیاست در سال ۱۳۴۱ صراحتاً هدف تأکید قرار گرفت (کدیور، ۱۳۷۸: ۳۸۶، به نقل از فرامرزی، ۱۳۹۱: ۳۸۶). با کشتار فیضیه و واقعه ۱۵ خرداد در سال ۱۳۴۲، اوضاع رابطه ساختار سیاسی و فرهنگی در هم پیچید.

به‌علل پیش‌گفته، شاه چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ سیاسی، در موقعیت قدرتمندی قرار گرفت و یارای مقابله با مخالفانش را پیدا کرد. گرایش سنتی مذهبی نیز با گفتارها و گاه

نوشتارهای خود بر ضد اصلاحات ارضی و حقوق زنان موقعیت تبلیغاتی شاه را تقویت می‌کرد و شاه نیز در تبلیغات خود به آنها برچسب «ارتجاع سیاه توطئه فئودالی» می‌زد (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۷۲).

با وجود چنین وضعیتی، در عرصه عمومی، گفتمان سنتی مذهبی همچنان با تمام وجود قدرت‌نمایی می‌کرد؛ به خصوص در حوزه فرهنگی، اصول خانواده کاملاً با دال و مدلول‌های گفتمان سنتی منطبق بود. قدرت برتر مرد در خانواده، همراه با حقوق بی‌چون و چرای او در ازدواج مجدد، طلاق و... از نشانه‌های تسلط این گفتمان بود؛ بنابراین، دولت در تنظیم لایحه حمایت از خانواده بسیار محتاطانه عمل کرد و نمایندگان نیز سعی می‌کردند در مذاکره‌های خود از دال‌های منتسب به گفتمان سنتی مانند آیات، روایات و... البته با قرائتی اعتدالی، استفاده کنند.

در «تحلیل زمینه موقعیتی ساختارمحور» مجلس بیست و سوم باید به اوضاع و احوال اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ پرداخت. این دو دهه به لحاظ اقتصادی هم‌زمان با برنامه چهارم و پنجم^۱ عمرانی کشور بود که درآمد نفتی ایران از ۱/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۰ به ۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۳ رسیده بود. رشد سالانه تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۵۱ به ۱۴ درصد و در سال ۱۳۵۲ به ۳۰ درصد رسید. برنامه‌های عمرانی، کشاورزی، و بهره‌برداری از معادن که از سال ۴۲ شروع شده بود با سرعت پیش می‌رفت (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۵۲۴-۵۲۹). هزینه‌های دولت در زمینه بهداشت و آموزش، هم‌گام با عواید نفت، افزایش یافت و به خدمات اجتماعی دیگر اولویت پیدا کرد (همان، ۳۳۵). حمل و نقل، ارتباطات، بانک‌داری و بیمه، مسکن و املاک شهری و انواع خدمات نو، به‌ویژه بعد از ۱۳۵۲، رشد سریعی داشتند (همان، ۳۴۰). در نتیجه سیاست دولت در تزریق ثروت نوبافته به اقتصاد و به دلیل افزایش هزینه‌های عمومی، درآمد سرانه به گونه‌ای بی‌سابقه افزایش یافت و به شکاف عمیقی میان عرضه و تقاضا انجامید. درآمدهای بالاتر و قیمت‌های یارانه‌ای موجب ازدیاد مصرف شد. افزایش تقاضاها رشد تورم را در پی داشت بحران اقتصادی اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ موجب ظهور رژیم اقتدارگرای کورپوراتیستی در زمان منازعه در درون بلوک قدرت شد. در اوایل دهه ۵۰ دربار یگانه‌قدرت

^۱ تحت تأثیر آمارهای رشد اقتصادی، رژیم از سال ۱۳۵۷ ادعا می‌کرد که در پایان این دهه، استاندارد زندگی در ایران از سطح زندگی در اروپای غربی بالاتر خواهد رفت و در پایان سده کنونی، یکی از پنج غول صنعتی جهان خواهد بود (به نقل از آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۵۲۹).

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان‌های خانواده در مذاکره‌های مجالس قانون‌گذاری ایران (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷)

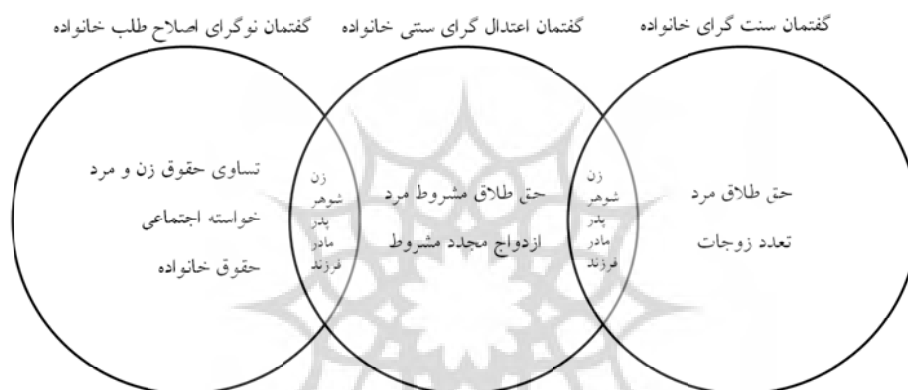
مسلط بود. دربار کوشید با تحمیل حزب سیاسی واحد جدیدی برای بسیج طبقات پایین و مفصل‌بندی ایدئولوژی پوپولیستی، به بسط و گسترش دستگاه کنترل طبقاتی خود بپردازد. عوامل مؤثر در این امر عبارت بودند از: تصمیم دربار برای کنترل رشد «فئودالیسم صنعتی»، ناآرامی‌های طبقه کارگر و ناتوانی حزب حاکم موجود در ادغام منافع مختلف (بشیریه، ۱۳۹۵: ۱۳۵-۱۳۸).

درآمدهای نفتی و جهش بخش‌های مختلف اقتصادی، از جمله صنعت و خدمات و اجرای برنامه‌های توسعه و رشد آموزشی و بهداشت و رشد توان خرید تجهیزات نظامی، به احساس قدرت سیاسی منجر شد. انفعال ظاهری گروه‌های مخالف مذهبی و غیرمذهبی در نتیجه خفقان پلیسی-امنیتی نیز بر تشدید این حس افزود. جشن‌های ۲۵۰۰ ساله با هزینه سرسام‌آور جهت به‌نمایش گذاشتن قدرت نظام سیاسی در سال ۱۳۵۰ و برگزاری سالگرد آن و رشد رسانه‌ها و تبلیغات گسترده فرهنگ نوگرایی از اقدامات حکومت در برابر گفتمان سنتی بود. از جمله اقدامات جدید حکومت، قدرت‌نمایی و حرکت در جهت مطلق‌گرایی و ایجاد حزب رستخیز به منزله تنها حزب کشور بود. در سال ۱۳۵۳، نمایندگان گفتمان مسلط با ارائه اصلاحات برای قانون حمایت از خانواده سال ۴۶، به تنگ‌تر کردن حلقه قدرت مرد و افزودن بر قدرت زن، و سعی در برابر کردن بیشتر این دو جنس در حقوق و تکالیف پرداخت. گفتمان نوگرا در عملکرد برخی نمایندگان با شدت بیشتری، در قالب انتقاد از اصلاحات جدید قانون حمایت از خانواده و ادعای وجود موانع نوگرایی، حتی با وجود اصلاحات، بازتاب داشت. در تسلط گفتمان نوگرایی، با وجود نمایندگان تحصیل کرده در کشورهای غربی نمی‌توان شک کرد.

یافته‌های حاصل از تحلیل زمینه بینامتنی مذاکره‌های نمایندگان مجلس بیست‌ویکم و بیست‌وسوم

«گفتمان سنتی خانواده» در مجلس شورای ملی بیست‌ویکم بازنمایی‌کننده گفتمان سنتی مذهبی در سطح جامعه است و دال‌هایی مانند ولایت قهری، ازدواج مجدد، و اولویت حق طلاق برای مرد ز دال‌های این گفتمان است. معنا و تعریف مفهیمی چون زن، شوهر و پدر معادل

معنا و تعریف زن و شوهر و پدر در گفتمان سنتی است. «گفتمان نوگرای اصلاح طلب^۱ خانواده» در مجلس بیست و یکم شورای ملی دال‌هایی از گفتمان نوگرا یا مدرن کلان را، مانند تساوی حقوق، خواسته‌های اجتماعی و پیش‌فرض‌های جدلی مانند مخالفت با ازدواج مجدد مرد، با خود حمل می‌کند و گفتمان اعتدال‌گرای سنتی از دال‌های سنتی با مدلول نوگرایانه و اعتدالی بهره می‌برد. شکل ۳ دال‌های اختصاصی و دال‌های شناور هر گفتمان را در مذاکره‌های مجلس بیست و یکم شورای ملی نشان می‌دهد.



شکل ۳. یافته‌های حاصل از تحلیل زمینه بینامتنی مذاکره‌های مجلس بیست و یکم شورای ملی

گفتمان نوگرای اصلاح طلب خانواده، که گفتمان مسلط در مجلس شورای ملی بیست و سوم است، با دال‌هایی مانند تساوی حقوق، زن اجتماعی، زن آزاد، زن مستقل و...، که از دال‌های گفتمان کلان «مدرنیته» اند، شناخته می‌شود. گفتمان مدلول‌های خود را به دال‌های شناوری

^۱ گفتمان نوگرای اصلاح طلب، در واقع، صرفاً خواستار اصلاح سنت‌ها در برخورد با دنیای متحول جدید است. آنها بنیادهای اخلاقی و ارزشی را فراتر از عنصر زمان و تاریخ می‌دانند و از این جهت تفاوتی میان امر سنتی و امر مستحدث و جدید قائل نیستند (اخلاقی‌نویان، ۱۳۹۴).

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان‌های خانواده در مذاکرات مجلس قانون‌گذاری ایران (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷)

مانند زن، شوهر، مادر و... منسوب می‌کند. در شکل ۴ رابطه بینامتنی این گفتمان با گفتمان سنتی خانواده و گفتمان نوگرایی رادیکال^۱ که گفتمان منتقدند، نشان داده شده است.



شکل ۴. یافته‌های حاصل از تحلیل زمینه بینامتنی مذاکرات مجلس شورای ملی بیست‌وسوم

یافته‌های حاصل از تفسیر گفتمان خانواده در مجلس شورای ملی بیست‌ویکم و بیست‌وسوم

یافته‌های حاصل از تحلیل متن و تحلیل زمینه مذاکرات نمایندگان مجلس بیست‌ویکم شورای ملی نشان داد که نظم گفتمانی این مجلس شامل سه گفتمان (سنتی اصول‌گرا، اعتدال‌گرای سنتی و نوگرایی اصلاح‌طلب) است. در این مجلس «گفتمان اعتدال‌گرای سنتی»، با تکیه

^۱ نوگرایان رادیکال کلاً منکر ارزش‌های سنتی هستند. آنها مخصوصاً به‌هیچ‌وجه پیروی از آیین‌ها، احکام، سنت‌ها و رویه‌های حقوقی و اخلاقی مربوط به سده‌های گذشته را راهگشا نمی‌دانند و یکسر درصدد جابه‌جایی آنها با آیین‌ها، احکام و رویه‌های جدید به‌شیوه سریع و انقلابی‌اند. رادیکال‌ها تغییر بنیادی و ریشه‌ای سنت را خواستارند و سنت‌ها را مانع توسعه و تحول اجتماعی می‌شمارند (اخلاقی‌نویان، ۱۳۹۴).

بر سرمایه‌های عاملیت‌های مشارکت‌کننده در مباحث) و جهت ایجاد رابطه هم‌گرا بین ساختارهای سیاسی و اقتصادی (که گفتمان نوگرای اصلاح‌طلب بر آنها مسلط بود) و ساختارهای اعتقادی و عرف اجتماعی (که گفتمان سنتی اصول‌گرا بر آن مسلط بود)، توانست به گفتمان مسلط (دست‌کم در حوزه خانواده) تبدیل شود. این گفتمان بر اهمیت خانواده به منزله واحد اجتماعی و رابطه متقابل آن با جامعه تأکید دارد. حفظ صلح و آرامش در خانواده از اهداف اصلی این گفتمان است.

عاملیت‌های گفتمان اعتدال‌گرای سنتی در مباحثشان به جایگاه دین در لایحه حمایت خانواده پرداخته و از توجه شاهنشاه، دولتمردان و طراحان لایحه به دین و اعتقادات مذهبی صحبت به‌میان آورده‌اند و به آیات قرآن، احادیث پیامبر و ائمه و احکام شرعی اشاره کرده‌اند. نمایندگان مدعی بودند لایحه تأیید پیشوایان حقیقی اسلام و روحانیون بزرگ را بر خود دارد. آنها بر قرائت اعتدالی از دین و تساوی زن و مرد در دین نیز تأکید کردند و تنها موردی که به قانون اساسی استناد کرده‌اند، موضوع تساوی حقوق زن و مرد بوده‌است. در گفتمان ذکرشده، بر توجه به افکار عمومی تأکید شده‌است، جایگاه نظام بین‌المللی به‌خصوص کشورهای متمدن تقریباً الگو است و سعی شده حقوق خانواده و زن به اصول آن کشورها نزدیک‌تر باشد. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت گفتمان اعتدال‌گرای سنتی سعی کرده با وجود قدرت ساختار اعتقادی و عرف اجتماعی سنتی، معانی جدیدی برای دال‌هایش تعریف کند و از این طریق، مسیر تغییر گفتمان را هموار کند.

یافته‌های حاصل از تحلیل متن و تحلیل زمینه مذاکره‌های نمایندگان مجلس بیست‌وسوم شورای ملی نشان می‌دهد که نظم گفتمانی این مجلس شامل سه گفتمان (سنتی اصول‌گرا، نوگرای رادیکال و نوگرای اصلاح‌طلب) است. در این مجلس «گفتمان نوگرای اصلاح‌طلب» به یمن حمایت قوی ساختار سیاسی و اقتصادی و نادیده‌گرفتن گفتمان قدرتمند «سنتی اصول‌گرا»، که بر ساختار اعتقادی و عرف اجتماعی مسلط بود و مقابله با عاملیت‌های آن، برای مدت کوتاهی به گفتمان مسلط مجلس تبدیل شد. گفتمان نوگرای اصلاح‌طلب رفاه و سلامت خانواده را به رفاه و سلامت جامعه پیوند زد و بر توجه به حقوق خانواده و حفظ آرامش و صمیمیت در آن و جلوگیری از ظلم در درون خانواده تأکید کرد. عاملیت‌های گفتمان نوگرای اصلاح‌طلب به آیات و روایاتی استناد کرده‌اند که می‌توان قرائتی مبنی بر تساوی حقوق زن و مرد، حقوق سیاسی زن و رد تعدد زوجات از آنها داشت. درواقع، این عاملیت‌ها قرائتی اعتدالی و تساوی طلبانه ارائه کرده‌اند و معتقدند قانون مدنی، حقوقی کمتر از اسلام به زنان اعطا کرده‌است. آنها به وجود حقوق سیاسی در قانون اساسی استناد کرده و با استفاده از آن بر حقوق سیاسی زن

صحه گذاشته‌اند، در موضوع افکار عمومی بیشتر به نظر سازمان‌های فعال در حقوق زنان توجه کرده و بر جلب توجه کشورهای دیگر از جمله کشورهای غربی به نوگرایی ایران تأکید کرده‌اند. در این گفتمان، با به‌کارگیری واژه «ترقی» به‌شدت به موضوع «نوگرایی» پرداخته ادعا شده که ایران به سطح بالایی از ترقی و پیشرفت دست یافته و هدف جامعه و سیاستمداران ارتقای این سطح است.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر نشان داد که گفتمان «اعتدال‌گرای سنتی» در نتیجه دیالکتیک دو گفتمان «نوگرایی اصلاح‌طلب»، ساختار سیاسی و گفتمان «سنت‌گرا»، ساختار اجتماعی در مجلس بیست‌ویکم مسلط شده و توانایی پاسخ به سؤالات و نیازهای اجتماعی آن دوران را داشته و واکنش تقابلی چندانی از سوی گفتمان سنتی برنینگخته است، اما در دهه ۵۰، گفتمان سیاسی مسلط، به‌پشتوانه رشد اقتصادی و قدرت سیاسی، یک‌باره از نوگرایی اصلاح‌طلب به نوگرایی رادیکال تغییر جهت داد و از آنجاکه تغییر گفتمان عمومی جامعه به‌علت وسعت آن به کندی اتفاق می‌افتد و در فاصله چهارساله بین مجلس بیست‌ویکم و بیست‌وسوم نمی‌توانست تغییر درخور اعتنایی رخ دهد، در میدان مجلس بیست‌وسوم دیالوگ گفتمان عمومی سنتی با گفتمان نوگرایی رادیکال قطع شد و گفتمان مسلط مجلس «نوگرایی اصلاح‌طلب» بود. این قطع ارتباط واکنش سرسختانه و ستیزه‌جویانه گفتمان عمومی سنتی‌مذهبی را برانگیخت و به‌علت قدرت پنهان و وسعت این ساختار کلان، رویارویی دو گفتمان خرد و کلان به سطح عمومی جامعه کشیده شد و این تخاصم به شکست گفتمان «سیاسی نوگرا» و پیروزی گفتمان عمومی «سنت‌گرا» در قالب انقلاب اسلامی نمایان شد. همراه با انقلاب اسلامی، «گفتمان سنت‌گرا» بر تمام سطوح ساختاری (خرد و کلان) تسلط یافت.

منابع

- آبراهامیان، یراوند (۱۳۸۷) / *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چاپ چهاردهم، تهران: نی.
- آشتیانی، جلال الدین (۱۳۶۶) تجزیه و تحلیل افکار زرتشت، مزدیسنا و حکومت، تهران، شرکت سهامی انتشار
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۴) *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی و فرهنگی.

اخلاقی‌نویان، محمدنبی (۱۳۹۴) زنان از سنت تا مدرنیته و تا عقلانیت‌انگاری (دیدگاه‌ها و رویکردها)، mnabiakhlaqi0080blogfa.com.

استریناتی، دومنیک (۱۳۸۴) مقدمه ای بر نظریه های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک نظر، تهران: گام نو.

اسمیت، فیلیپ و الگزندر رایلی (۱۳۹۴) *نظریه فرهنگی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی. البیوت، آنتونی و برایان ترنر (۱۳۹۳) *برداشت‌هایی در نظریه اجتماعی معاصر*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: جامعه‌شناسان.

امینی، علیرضا (۱۳۸۹) *تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی*، چاپ دوم، تهران: صدای معاصر.

برناردز، جان (۱۳۹۳) *درآمدی بر مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، چاپ پنجم، تهران: نی. بشیریه، حسین (۱۳۹۵) *زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران*، چاپ چهارم، تهران: نگاه معاصر. بشیریه، حسین (۱۳۷۸) *دولت و جامعه مدنی* (گفتمان‌های جامعه‌شناسی سیاسی)، تهران: نقد و نظر.

بهنام، جمشید (۱۳۹۱) *ایرانیان و اندیشه تجدد*، چاپ چهارم، تهران: فیروزان. پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۶) *انقلاب سفید*، تهران: کتابخانه سلطنتی پهلوی. تاجداری، علیرضا (۱۳۸۶) *خاستگاه‌های اجتماعی و گفتمان‌های نیروهای سیاسی در انقلاب مشروطه و اسلامی*، رساله دکتری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی. تامیلینسون، جان (۱۳۹۳) *جهانی‌شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۹۵) «زن و تحول گفتمان از خلال نشریه‌های زنان (از مشروطه تا پهلوی)»، *تاریخ اسلام و ایران*، سال بیست و ششم، شماره ۳۰، پیاپی ۱۲: ۶۹-۹۲. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۲) *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: سمت.

حسینی سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۵ ق) *توضیح‌المسائل*، قم: مهر. حسینیان، سیمین و همکاران (۱۳۸۷) *کتاب سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده*، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

حکیم، سیدمحسن (۱۳۸۱ ق) *رساله توضیح‌المسائل*، چاپ پنجم، نجف: نعمان. حیدری، آرش و هدایت نصری (۱۳۸۷) *مسأله آلتوسر*، تهران: نشر مرکز. دادگر، یدالله (۱۳۹۱) *درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد*، تهران: نی.

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان‌های خانواده در مذاکره‌های مجالس قانون‌گذاری ایران (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷)

درمزاری، محمدرضا (۱۳۹۲) قانون حمایت از خانواده در آئینه تاریخ و حقوق (نقد و نگاه حقوقی بر قانون حمایت خانواده) (بخش یک تا چهار)، www.khabaronline.ir، رابرتسون، رولند و همکاران (۱۳۸۸) جهانی‌شدن (مجموعه مقالات)، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران: ارغنون.

رهبری، مه‌ری (۱۳۸۶) «شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران»، پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، شماره ۲۳: ۸۹-۱۱۴.

ریتزر، جورج (۱۳۷۷) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۱) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، چاپ چهارم، تهران: سروش.

ساناساریان، الیز (۱۳۸۴) جنبش حقوق زنان در ایران، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.

ستاری، جلال (۱۳۷۳) سیمای زن در فرهنگ ایران، تهران، نشر مرکز

سروی زرگر، محمد(بی تا) نظریه بازنمایی در مطالعات اجتماعی، www.kiankiani.com

سگالن، مارتین (۱۳۹۳) جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، چاپ ششم، تهران: مرکز.

سیدمن، آنتونی (۱۳۹۳) کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.

شویره، کریستین و اولویه فونتن (۱۳۸۵) واژگان بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نی.

طباطبایی بروجردی، حسین (بی تا) رساله توضیح المسائل، قم: جاویدان / فراهانی.

عسگری، نورمحمد (۱۳۹۳) قبای زرین، عبابی پشمین، تهران: شرکت کتاب.

غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۴) تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر، تهران: مرکز.

فاتحی، ابوالقاسم و ابراهیم اخلاص (۱۳۹۱) «گفتمان‌های اجتماعی زنان در پارادایم سنت و نوگرایی»، معرفت فرهنگی/اجتماعی، سال سوم، شماره ۳: ۱۰۱-۱۲۲.

فرامرزی، فاطمه (۱۳۹۱) دین در ایران عصر پهلوی دوم، تهران: علم.

فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

قجری، حسینعلی و جواد نظری (۱۳۹۲) کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، تهران: جامعه‌شناسان.

کرایب، یان (۱۳۹۲) نظریه‌های اجتماعی مدرن، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه.

کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۱) *گفتمان از سه منظر زبان شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی*، تهران: جامعه‌شناسان.

کمانگیر، احمد (۱۳۴۶) *قانون اساسی و قوانین جزائی با تمام اصلاحات*، تهران: اتحاد.

گل محمدی، احمد (۱۳۹۳) *جهانی‌شدن فرهنگ، هویت، تهران: نی*.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) *راه سوم: بازتولید سوسیال دموکراسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: شیرازه.

لوح مشروح (متن قابل جست‌وجوی مشروح مذاکرات مجالس شورای ملی و اسلامی) (۱۳۹۴) تهران: کتابخانه موزه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

مجموعه قانون حمایت خانواده (۱۳۴۹) تهران: مؤسسه مطبوعاتی فرخی.

محمدی، بیوک (۱۳۹۵) *ساختار قدرت در خانواده*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مظفری، آیت (۱۳۸۹) *جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر*، تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

موحد، مجید و همکاران (۱۳۹۱) «مطالعه عوامل زمینه‌ای مرتبط با ساختار توزیع قدرت در خانواده»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران*، دوره اول، شماره ۳: ۱۵۹-۱۷۸.

موسوی‌الخمینی، سیدروح الله (۱۳۶۰) *رساله توضیح‌المسائل*، تهران: ارشاد.

موسوی کریمی، میرسعید و نوید یوسفیان (۱۳۸۹) «سازه انگاری معرفتی و برساخت‌گرایی اجتماعی»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال اول، شماره ۱: ۱۲۹-۱۴۳.

میراحمدی، منصور (۱۳۹۳) *اسلام و دموکراسی مشورتی*، تهران: نی.

میرزاحمدی، علی (۱۳۹۴) *ساخت گفتمان‌های کنترل اجتماعی مجلس شورای اسلامی (مقایسه روند گفتمانی دوره‌های دوم، ششم و هفتم) دانشگاه پیام نور تهران*، رساله دکتری.

میرزاحمدی، علی و همکاران (۱۳۹۴) «ساخت گفتمان‌های کنترل اجتماعی مجلس شورای اسلامی»، *مجلس و راهبرد*، سال بیست‌ودوم، شماره ۸۴: ۳۱-۷۲.

میرزایی، خلیل (۱۳۹۵) *کیفی پژوهی: پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی*، جلد ۱ و ۲، تهران: فوژان.

نامداری، نیما (۱۳۸۶) «داستان اجباری‌شدن حجاب در ایران»، *دسترسی در: <http://Law.dotic.ir>*

ون‌دایک، تئون (۱۳۹۴) *تحلیل متن و گفتمان*، ترجمه پیمان کی‌فرخی، تهران: پرسش.

هال، استوارت (۱۳۹۳) *معنای فرهنگ و زندگی اجتماعی*، ترجمه احمد محمدی، تهران: نی.

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان‌های خانواده در مذاکره‌های مجالس قانون‌گذاری ایران (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷)

هلد، دیوید و آنتونی مک‌گرو (۱۳۸۷) *نظریه‌های جهانی‌شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: چشمه.

همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۵) *اقتصاد سیاسی ایران* (از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی)، چاپ بیست‌ویکم، تهران: مرکز.

یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹) *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.

Bourdieu, Pierre (1996) *The Social Nobility*. Cambridge: Polity Press.

Fersharaki .F (1976) *Development of the Iranian Oil Industry*. New York: Praeger Publisher Inc.

Giddens, Anthony (1984) *The Constitution of Society*. Cambridge: Polity Press.

Hall, Stuart (1997) *Representation: cultural representations and signifying practices*. London Thousand Oaks, California: Sage in association with the Open University. ISBN 9780761954323.

Merton, Robert (1957) *Social Theory and Social Structure*. New York: Free Press.

Parsons, Talcott (1951) *The Social System*. Glencoe, III: Free Press.

Parsons, Talcott and Gerald M. platte (1973) *The American University*. Harvard University Press.

Ruiz, gorge (2009) *Sociological discourse analysis: methods and logic*.

FQS (forum: qualitative social research. Vol 10. No 2. Art 26.

Watson, James and Anne Hill (2006) *Dictionary of media and communication studies*. Oxford University Press.